

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت آموزش



این ارائه برگرفته از کتاب **روش تحلیلی سیاسی**

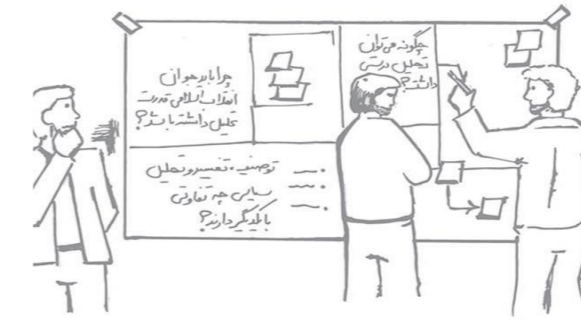
«مجموعه بیانات حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی)»

درباره مهارت ها و فنون تحلیلی سیاسی» می باشد.

فهرست مطالب

مقدمه

ضرورت تحلیل سیاسی



گفتار اول

مقدمات تحلیل سیاسی



گفتار دوم

مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی



رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاَعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَاَاءَبَصَرَ

رحمت خداوند بر کسی که اندیشه کند و عبرت بگیرد، و عبرت بگیرد و بینای به امور شود.

نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

مقدمه

ضرورت تحلیل سیاسی



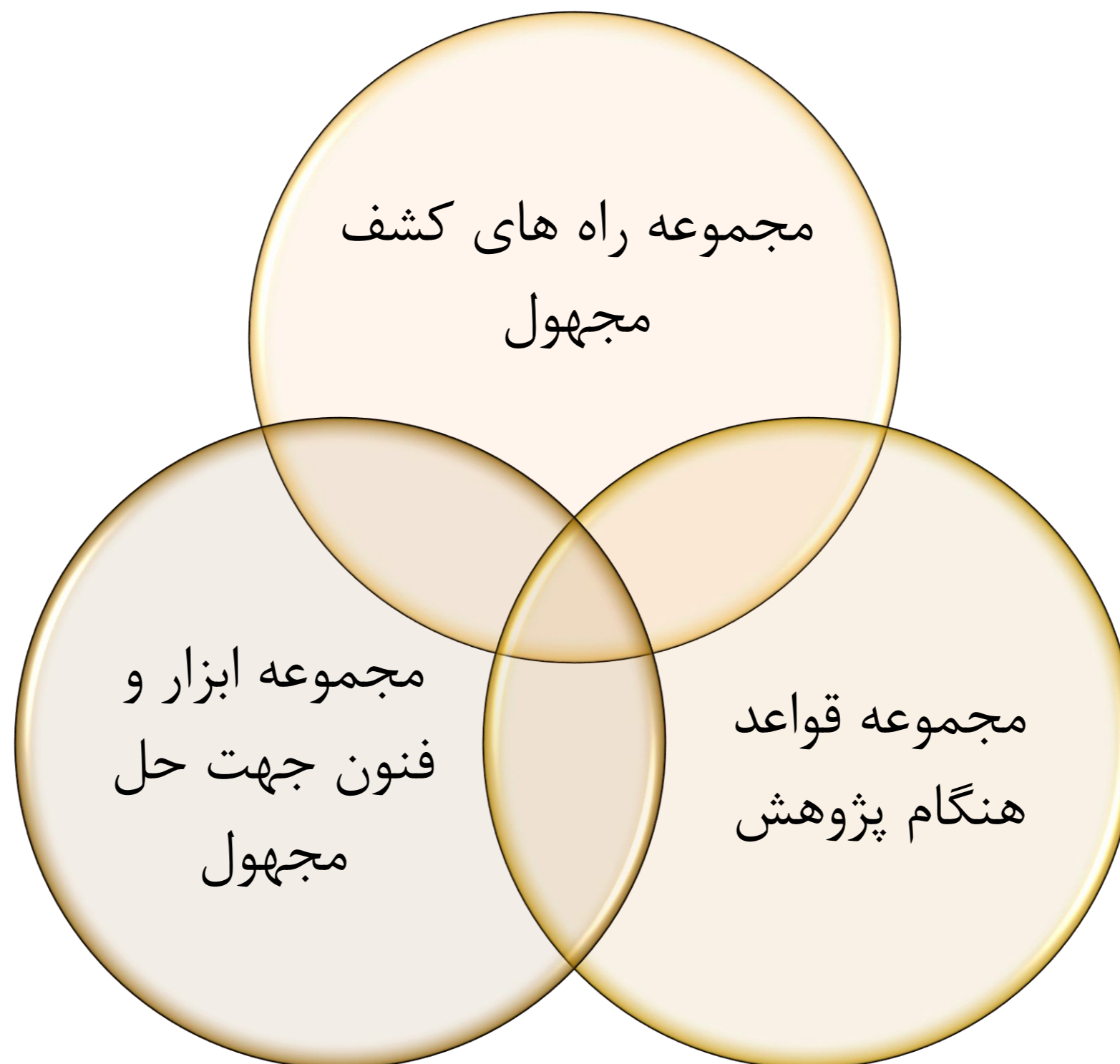
۱- چرا باید قدرت تحلیل سیاسی داشت؟

● ● قضاوت در پدیده های سیاسی و اجتماعی نیازمند تفکر و به تبع نیازمند آگاهی از نحوه
● ● صحیح تفکر در پدیده هاست.

● ● اگر ملتی قدرت تحلیل خود را از دست بدهد فریب و شکست خواهد خورد.

● ● آگاهی از تحلیل سیاسی در الگوی مردم سالار دینی مبتنی بر سیاست، امری ضروری و
جزئی از زندگی عمومی می باشد.

۲- چگونه می توان تحلیل درستی داشت ؟



۳- «توصیف»، «تفسیر» و «تحلیل» سیاسی چه تفاوتی با هم دارند؟

توصیف

- گزارش دقیق از چگونگی و روند رویدادهای سیاسی است. لذا به حریم علت ها راه نمی یابد.

تحلیل

- بررسی یک رویداد سیاسی در یک واحدکل و با اهتمام به تحلیل اجزا در نسبت به کل می باشد.

تفسیر

- وصول به استنباط در مورد روابط متغیرها و استخراج نتایج از آن را تفسیر می نامند.

۴- تحلیل سیاسی روش مند چه کاربردی دارد؟

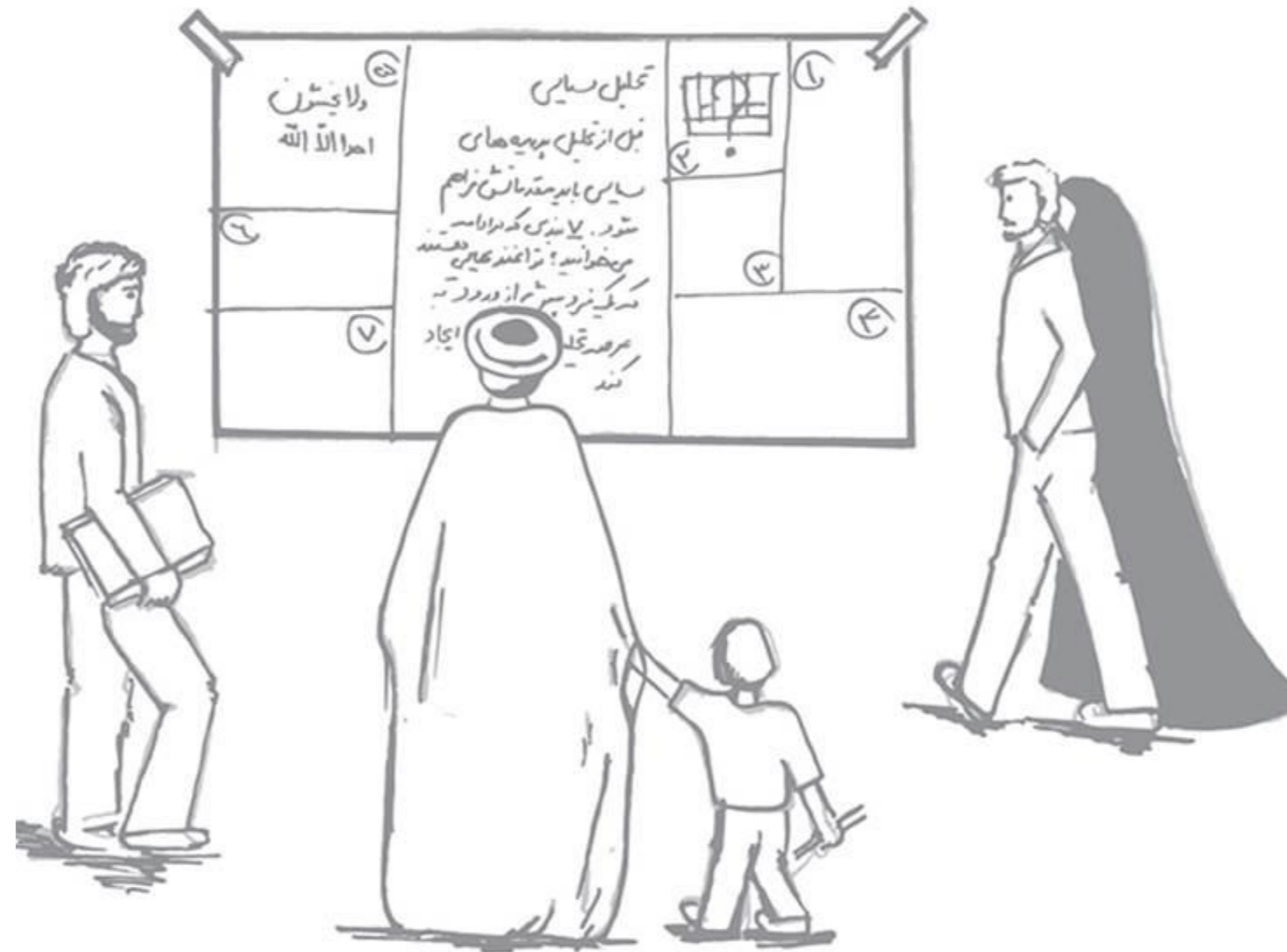
موجب ارتقاء آگاهی، بینش و بصیرت جامعه می گردد تا هنگام در هم آمیختگی حق و

باطل گرفتار حیرت نشده و تکلیف شرعی و نقش تاریخی خود را براساس تشخیص درست

در فضای غبارآلود فتنه انجام دهیم.

گفتار اول

مقدمات تحلیل سیاسی



۱-جهان بینی توحیدی

انسان در انتخاب جهان بینی و با نگاه توحیدی به جهان، آن را مجموعه ای نظام مند، قانون مدار و هدفدار می بیند و می یابد که خود نیز جزئی از این طبیعت است و وجود و زندگی او باید هدفدار باشد. آنگاه در جستجوی آن هدف بر می آید.

۲- درک پیچیدگیهای شرایط زمانه

انقلابی باید بصیر باشد و پیچیدگیهای شرایط زمانه را درک کند. باید دقیق باشید و با طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید، مراقب باشید، مایوس نشوید، در صحنه بمانید.

۳- کسب آگاهی دینی و تاریخی

عبور از لایه های سطحی و دستیابی به سطوح زیرین مسائل دینی و اجتماعی به جهت ایجاد فهم مناسب امری ضروری است که از طریق تدبر و انس با قرآن و ادعیه ماثوره، توجه به زندگی پیامبر اکرم (ص)، ژرف اندیشی در تاریخ ایران و جهان، مطالعه آثار مفید و گفتگو با افراد مجرب به دست می آید.

۴- توجه به خودسازی معنوی

وقتی طغیان هوای نفس، جاه طلبی ها، حسادت ها، دنیا طلبی ها و شهوترانی ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیت را نمی توانیم مشاهده کنیم. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم آن وقت دنیا نورانی خواهد شد و چشم ما همه چیز را می بیند.

۵- آزاد اندیشی

آزادی یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که یکی از شعبش آزاد اندیشی است. آنچه کمک می کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست. یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن.

۶- شجاعت در فهم

درک صحیح از کبریات و صغریات مبانی و موضوعات دینی در انطباق با موضوعات خارجی نیازمند عدم ترس از مال، جان، آبرو، حرف و حدیث ها و تهمت ها و عدم انفعال در مقابل دشمن است. گاهی انسان به خاطر این ترس ها نمی تواند مسئله را درست درک بکند و حل نماید و موجب اشتباه خواهد شد.

۷- توجه به خطوط قرمز

این خطوط از مهم ترین ها هستند اما همه خطوط قرمز نیستند :

مواضع دشمن شاد
کن

مواضع خلاف
وحدت

رفتارهای قبیله
گرایانه

مواضع خلاف
آرامش

مواضع خلاف
قانون

گفتار دوم

مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی



مهارت‌ها و فنون :



موارد

سلبی

موارد

ایجابی

آرمان گرایی همراه با واقع بینی بعضاً دچار لغزش می شود و آن مشاهده نکردن بخشی از واقعیت است. جزئی نگری و نگاه نکردن مسیر مستمر از ابتدا تا انتها، انسان را گمراه می کند و فرد راه و هدف را گم می کند. نه اینکه جزئی نگر نباشیم، بلکه این نگاه به اجزاء موجب نشود که ما از نگاه به کل غافل شویم .

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتها

یعنی نباید از آرمانخواهی دست برداشت؛ نه در هنگام پیروزی های شیرین، نه در هنگام هزیمتهای تلخ . آرمان خواهی صحیح و واقع بینانه بن بست ندارد. بعضی ها در قبال حوادث گوناگون، موضعگیری ها و موقعیت های روحی و معنوی و فکری شان متناسب با آنچه که لازمه آرمان خواهی است، نیست.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتها

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

تکلیف گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند و خلاف آن کاری نکند. تکلیف گرایی هیچ منافاتی با دنبال نتیجه بودن ندارد. کسی که برای رسیدن به نتیجه ، بر طبق تکلیف عمل می کند، اگر یک وقتی هم به نتیجه مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمی کند، خاطرش جمع است که تکلیفش را انجام داده.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

شناختن موقعیت ، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز، این اساس کار است که مومن باید این را با خود داشته باشد تا بتواند وجودش موثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

همه نقاط قوت و ضعف را باید شناخت. افت و خیز هست، اما مهم این است که حرکت ادامه داشته باشد. غلبه دادن نگاه منفی خلاف واقع بینی و موجب ناامیدی می گردد و غلبه دادن نگاه مثبت بدون دیدن نقطه ی منفی، این هم گمراه کننده است، موجب یک رضایت کاذب می گردد.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

قدرت تحلیل و قدرت تشخیص باید پیدا کرد. اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد فریب و شکست خواهد خورد. امام فرمودند؛ اگر من از اسلام جدا شوم مردم از من رو بر خواهند گرداند. شاخص اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند. در جاده همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می کنید.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

۷- مفهوم سازی

« واژه سازی » و « نهاد سازی » براساس تفکرات و مبانی پایه ای یک نهضت، لازمه هر حرکت عمومی است. وقتی نظام اسلامی و بیداری اسلامی مطرح می شود مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می کند متناسب با نهضت خودش. اگر از واژه های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته و مطلب ناگفته خواهد ماند.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتها

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

۷- مفهوم سازی

۸- تامل در افکار بازیگران سیاسی

باید دشمنیها را شناخت، مشکل ما این است. اینکه بنده مساله بصیرت را برای خواص تکرار می کنم، به خاطر این است. گاهی اوقات غفلت می شود از دشمنی هایی که با اساس دارد می شود؛ اینها را حمل می کنند به مسائل جزئی.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

۷- مفهوم سازی

۸- تامل در افکار بازیگران سیاسی

۹- اصلی و فرعی کردن مسائل

مسائل اصلی را باید شناخت و مسائل فرعی را اصلی نکرد؛ نه اینکه مطرح نکرد، نه، مسائل فرعی هم باید طرح شود؛ همه جزییات باید طرح شود؛ اصلی نشود و ملاک مخالفت و موافقت قرار نگیرد. ملاک موافقت و مخالفت، صراط مستقیم حق است. اسلام، تشریح، تدین و پایبندی به مبانی انقلاب است.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتهای

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

۷- مفهوم سازی

۸- تامل در افکار بازیگران سیاسی

۹- اصلی و فرعی کردن مسائل

۱۰- شنیدن همه ی سخنان و انتقاداتها

باید استماع کرد؛ بعد هر چه بهتر است، انسان قبول کند؛ ولو آن بهتر از زبان کسی در بیاید که انسان او را دوست ندارد، قبول ندارد، این خیلی حالت خوبی است. و انتقاد آن ارزشیابی منصفانه ای است که توسط یک فردکارشناس صورت می پذیرد.

۱- کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

۲- ملاحظه نسبت آرمانها و واقعیتها

۳- ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

۴- لحظه شناسی

۵- تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

۶- توجه به شاخصها

۷- مفهوم سازی

۸- تامل در افکار بازیگران سیاسی

۹- اصلی و فرعی کردن مسائل

۱۰- شنیدن همه ی سخنان و انتقادها

۱۱- شناخت نقشه دشمن

یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می خواهد به ما ضربه بزند، خط اغفال خواص و نخبگان از تاثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. گاهی، ما مسلمان ها خودمان نقشه دشمن را درست نمی شناسیم . خود ما جزئی از نقشه دشمن می شویم.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید ببینیم. یک چیزهایی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آنها سطحی عبور کنیم، آنها را نبینیم، طبعاً اشتباه می کنیم. بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید بیندیشد. و شنیده ای را نمی شود به صرف شنیدن رد یا قبول کرد.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

یک لغزشگاه، واقعیت پنداری است؛ چیزهایی را که واقعیت ندارد، انسان واقعیت تصور کند. دشمنانی که جبهه ای را در مقابل کشور ما، ملت ما، انقلاب، تشکیل دادند، سعی می کنند واقعیت سازی کنند. یک چیزهایی را به عنوان واقعیت های مسلم در نظر ما جلوه گر کنند؛ در حالی که واقعیت آنها نیستند.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

فرد لجوج در ابتدای لجبازی، اندکی نور حقیقت را درک می کند و می تواند بفهمد که کارش براساس لجبازی است اما وقتی لجاجت وی تکرار شد دیگر آن اندک نور حقیقت را هم نمی فهمد. در او، باطن و عقیده ای دروغین به وجود می آید و لجاجت نمی گذارد که او سرورش حقیقت و پیام معنویت و حق را به گوش جان بشنود.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

در مسائل مختلف، از جمله مسائل داخلی باید مراقب بود تا مغالطه ها ما را به اشتباه در تحلیل گرفتار نکند. قدرت تحلیل که نبود، انسان فریب تحلیل فریبگر بیگانه را می خورد. ما باید جوانان خودمان را آشنا کنیم به اینکه مغالطه چیست، تا بتواند مغالطه کننده را بگیرد.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

۵- عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

گاهی اتفاق می افتد که حادثه ای در دنیا پیش می آید، ولی نمی توانیم به طور قاطع درباره آن حادثه اظهار نظر کنیم. فرضاً حکومتی در یک کشور بر سر کار می آید. یا در جایی از دنیا، نزاعی بین دو جناح درگیر می شود که گاهی دلایل کافی و شواهد روشنگر در دسترس قرار نمی گیرد؛ لذا انسان نمی تواند درباره آن قضیه قضاوت کند.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

۵- عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

۶- پرهیز از آسان پنداری

آسان پنداری هم مثل آسان گیری و سهل انگاری، یکی از موانع راه است. موانع درونی، ضعفهای فکری و عقلانی، راحت طلبی و آسان گرایی است که آسان پنداری نیز از جمله این موارد است.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

۵- عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

۶- پرهیز از آسان پنداری

۷- راحت طلب نبودن

مواجهه با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن و آماده نبودن برای مواجهه با مشکلات یکی از ضعفهای درونی می باشد که باعث راحت طلب شدن می گردد.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

۵- عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

۶- پرهیز از آسان پنداری

۷- راحت طلب نبودن

۸- تردید نکردن

تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. برای مرعوب شدن اول باید در دل ها تردید ایجاد کرد. و این تردیدها همیشه از راه مغز وارد نمی شود؛ گاهی از راه جسم هم وارد می شود. خواسته ها و هوس های جسمانی، میل به پول و جاه و مقام تردید را از طریق جسم و شهوت وارد دل و مغز انسان می کند.

۱- عدم برخورد سطحی با مسائل

۲- پرهیز از واقعیت پنداری

۳- پرهیز از لجاجت

۴- پرهیز از مغالطه گری

۵- عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

۶- پرهیز از آسان پنداری

۷- راحت طلب نبودن

۸- تردید نکردن

۹- پرهیز از عصبانیت

در جمع مومنین، دربين افرادی که مامور به رفتار مسلمانی با آن ها هستیم، خشم و حالت عصبانیت نباید باشد، خشم به انسان ضرر می زند. تصمیم گیری با خشم، مضر است. حرف زدن با خشم مضر است، کارکردن با خشم مضر است و فرد غالباً دچار غلط و اشتباه است.



آنچه من توانستم به عنوان جمع بندی در دوران زندگی تقریباً پنج ساله حکومت امیر المومنین (علیه السلام) به دست بیاورم، این است که «تحلیل سیاسی» مردم ضعیف بود. البته در درجه بعد، عوامل دیگری هم بود، اما مهم ترین مسئله این بوده و الا خیلی از مردم هنوز مومن بودند، اما مومنانه در پای هودج ام المومنین در مقابل علی (علیه السلام) جنگیدند و کشته شدند.

موضع خود را شناختن و در آن قرار گرفتن، هوشیاری سیاسی، شم سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی - البته به دور از ورود در دسته بندی های سیاسی - خودش یکی از آن خطوط ظریفی است که امام هم مکرر در مکرر فرموده بودند. (۷۰/۶/۲۷)

سید مصباح